

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

انینة ایران

فرستنده: سارا نیکو

۱۰/۰۹/۲۷

## گزارشی از تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد در نیویارک!

در روز پنجشنبه ۲۳ سپتامبر ، با فراخوان های نیرو های سیاسی مختلف در اعتراض به حضور احمدی نژاد این مهره منفور رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل ، تظاهرات عظیمی در مقابل ساختمان سازمان ملل در نیویارک صورت گرفت. فعالان چریکهای فدائی خلق ایران در آمریکا و کانادا با انتشار فراخوانی ، یکی از سازمان دهندگان این حرکت اعتراضی بودند که از ساعت ده صبح تا شش بعد از ظهر ادامه داشت. علی رغم دوری راه ، رفقای بسیاری از اقصی نقاط کانادا و آمریکا به نیویارک آمده و در کنار رفقای مبارزی که در این شهر زندگی میکنند در این اکسیون شرکت نمودند و با تلاش های بی وقفه خود باعث هر چه پر بارتر شدن این حرکت موفق مبارزاتی گردیدند. حرکتی که در افشای چهره ضد خلقی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات مردم ایران شکل گرفته بود و همه در تلاش بودند تا صدای مردم آزادیخواه ایران را هر چه وسیع تر به گوش جهانیان برسانند.



طبق معمول همیشگی ، پولیس نیویارک محوطه مشخصی در مقابل سازمان ملل را با کشیدن میله های آهنی برای برگزاری این تظاهرات اختصاص داده بود. فعالان چریکهای فدائی خلق ایران ، به همراه سایر رفقای مبارز و رادیکال ، در قسمت ورودی این محوطه با نصب شعار ها و بنرهای بزرگ و چشم گیری ، فضای مبارزاتی رزمنده ای را به وجود آورده بودند. پخش سرودهای انقلابی و بنرهایی که صحنه های مختلفی از جنایات رژیم را به نمایش می گذاشت و ادعاهای فریبکارانه سردمداران جمهوری اسلامی را افشاء می نمود ، فضای بسیار پر شور مبارزاتی را سبب شده بود. همچنین میز کتاب سازمان، محلی شده بود برای جلب ایرانیانی که برای شرکت در تظاهرات به آن جا آمده بودند و با علاقه بسیاری به بحث و گفتگو پیرامون مسائل سیاسی و تحلیل های انقلابی ارائه شده در کتاب های چریکهای فدائی خلق ایران می پرداختند.

در طول این هشت ساعت تظاهرات ایستاده ، پولیس نیویارک که از استقبال مردم و حتی افراد یونیفورم پوش خود که مدت ها با ناباوری به تماشای بنر های بزرگی که حاوی عکس های رنگی از جنایات بی شمار سی و یک سال رژیم منفور جمهوری اسلامی بود ، می ایستادند به خشم آمده بود و به انواع و اقسام حيله های مختلف و با بهانه های مضحک و یا با توسل به قوانین غیر متعارف ، برای رفقاء ایجاد مزاحمت میکرد تا از شدت تاثیر گذاری جو مبارزاتی ایجاد شده توسط رفقاء در مقایسه با گروه ها و نیرو های دیگر ایرانی که با رقص و موسیقی و یا تکان دادن پرچم های کوچک کاغذی سه رنگ که در دست داشتند به تظاهرات خود ادامه میدادند ، کم کرده باشد.



در ابتدای شروع اکسیون ، بعد از برپائی بنر ها ، پلیس ها به جمع آوری لوله های باریک پلاستیکی بنر ها پرداختند. بعد از آن که بنر ها را با نخ به میله های آهنی بستیم ، پلیس با تیغ به بریدن نخ های بنر ها پرداخت و در اعتراض رفقاه اظهار داشت که محل تظاهرات جزو پارک محسوب میشود و استفاده از نخ برای گره زدن بنر ها به میله های آهنی غیر قانونی است. این موضوع چندین بار تکرار شد. هر بار بعد از تذکر پولیس ، نخ های بنر ها پاره و بنر های بزرگ و سنگین پائین آورده میشدند و بعد از خروج آن ها از محوطه تظاهرات ، دوباره بنر ها با سرعت و با پشتکاری و همکاری رفقاه بالا برده میشدند. یک بار هم هنگام پخش سرود ها و آهنگ های رزمی انقلابی ، پولیس به بهانه اتمام وقت "دو ساعت مجوز" برای استفاده از بلندگو های دستی ، به یکی از رفقاه اخطار داد تا دیگر از بلندگوی خود استفاده نکند که رفیق با قرار دادن دست های خود به دور دهان ، با فریاد به همه حاضرین اعلام کرد که ما خواهان سرنگونی رژیم منفور جمهوری اسلامی هستیم و پولیس اجازه استفاده از بلندگوی دستی به ما نمیدهد. با وجود اخطار مکرر رؤسای پولیس و التیماتوم آن ها در رابطه با دستگیری رفقاه ، همه رفقاه بر حق خود در نصب بنر های شان و استفاده از بلندگو ، پافشاری میکردند و در اولین فرصت ، بعد از خروج رؤسای پولیس از محوطه تظاهرات ، شعار های رسای خود را علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی از بلندگو ها از سر می گرفتند.

رفقاه با سر دادن شعار هایی چون "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" ، "جمهوری اسلامی، رژیم ارتجاعی ، مرگت فرا رسیده" و " خمینی، خامنه ای ، رفسنجانی ، خاتمی ، موسوی، احمدی نژاد ، ننگ به نیرنگتان ، خون جوانان ما ، میچکد از چنگتان" هم صدای کارگران و زحمتکشان دردمند ایران را پژواک می دادند



و هم این که بار دیگر بر ضرورت سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی جهت رسیدن مردم ما به آزادی تأکید می نمودند.



در جریان این حرکت ، خبرگزاری های زیادی با رفقاه مصاحبه کردند. در یکی از این مصاحبه ها یک گزارشگر ایرانی با اشاره به ادعای احمدی نژاد مبنی بر دروغ بودن حکم سنگسار سکینه آشتیانی ، جویای نظر سازمان در این مورد شد که رفیقمان در جواب توضیح داد:

"فریبکاری ، دروغ و ریا جزء ذاتی رژیم جمهوری اسلامی است. بنابراین امر غیر منتظره ای نیست که احمدی نژاد در آستانه سفر خود به نیویارک ، صدور حکم سنگسار شدن سکینه را مزورانه انکار کرد. چرا که هدف جمهوری اسلامی همچون سی و یک سال گذشته فریب افکار عمومی و جلب نظر آن ها به سوی سیاست های ضد مردمی خودش می باشد." سپس توضیح داده شد که آن چه اهمیت دارد این واقعیت است که افکار عمومی باید متوجه شود که سکینه که حالا نامش به دلیل مصالح دولت های غربی در رسانه ها برجسته شده است فقط یکی از قربانیان نظام زن ستیز جمهوری اسلامی است. در حقیقت ۳۱ سال است که جمهوری اسلامی زنان ایران را مورد انواع و اقسام ستم ها قرار داده و میدهد. سپس به خبرنگار مزبور توضیح داده شد اگر واقعا میخواهیم به سنگسار و اعدام پایان دهیم پس باید به نابودی کامل رژیم بر خیزیم و راهی را دنبال کنیم که برای همیشه سایه منحوس زندان و شکنجه و سنگسار و اعدام را از سر کشورمان محو نماید.

خبرنگار دیگری از یکی از روزنامه های پر تیراژ رومانی با یکی از رفقاه در رابطه با چگونگی رابطه ایران و امریکا و این که عده ای احمدی نژاد را ضد امریکائی می بینند ، سؤال کرد که رفیق هم در جواب ، تنیدگی روابط ایران و امریکا و چگونگی حمایت امپریالیست ها از جمهوری اسلامی را توضیح داد و با ارائه فاکت های گوناگون نشان داد که جمهوری اسلامی تا مغز استخوان وابسته به سرمایه داری انحصاری جهانی است و چنین تبلیغاتی از اساس بی پایه است.

در جریان این حرکت مبارزاتی از طریق میز کتاب برپا شده ، صدها نشریه پیام فدائی و ۱۹ بهمن و تعداد زیادی از کتاب های منتشر شده چریکهای فدائی خلق در میان مردم پخش شد و مردم با کمک های مالی خود حمایت شان را از تشکیلات نشان میدادند. امری که گستردگی حمایت عمومی از حرکت رفقای ما و مواضع انقلابی و مردمی چریکهای فدائی خلق را منعکس می کرد. در این تظاهرات تقریبا همه نشریات و کتاب های ارائه شده در میز کتاب

فروخته شد. به کسانی هم که به دنبال کتاب های خاصی که تمام شده بودند میگشتند گفته شد که آن کتاب ها را میتوانند از طریق سایت چریکهای فدائی خلق ایران (سیاهکل) در اینترنت تهیه کنند.

در بخشی از این حرکت موفق مبارزاتی جمعی از بومیان چیلی که در اعتراض به سیاست های تبعیض آمیز دولت آنکشور در مقابل سازمان ملل گرد آمده بودند، به جمع ما پیوستند و با این کار خود شور و هیجان زیادی در بین رفقاء به وجود آوردند. رفقاء هم با سر دادن شعار از حضور آن ها استقبال نمودند و شعار "مردم متحد شده، هرگز شکست نخواهند خورد" را به زبان انگلیسی در کنار آن ها تکرار میکردند.

از نکات دیگر در این تظاهرات عدم مشاهده حتی یک عکس در جانب داری از موسوی جنایتکار بود. به واقع در این تظاهرات هیچ اثری از جریانات مدعی طرفدار موسوی به چشم نمی خورد. عکس هایی هم که از موسوی وجود داشتند همه در بنر های فعالین چریکهای فدائی خلق بودند که نقش موسوی به عنوان نخست وزیر جنایتکار را در کشتار های دهه ۶۰ نشان میداد.

این تظاهرات ایستاده با موفقیت و در محیط گرم دوستانه ای در حدود ساعت شش بعد از ظهر به پایان رسید. بعد از ترک محل تظاهرات، به طرف هتلی که احمدی نژاد مزدور در آن جا اقامت داشت حرکت کردیم. این عنصر جنایتکار در یکی از گرانترین هتل های نیویارک (هتل هیلتون) با خرج هزینه های سنگین، تعدادی از مفتخوران خود فروخته ایرانی ساکن در خارج از کشور را به دور خود جمع کرده بود. فضای محوطه اطراف هتل به شکل غیر قابل تصویری پویسی و تحت کنترل بود. صدها پولیس در جلوی خیابان ورودی هتل مستقر شده بودند و با پارک کردن دو کامیون بزرگ روبروی هم، خیابان را کاملاً مسدود کرده بودند. با وجود این که تمام خیابان ها در کنترل پولیس بود سعی کردیم به منطقه هتل نزدیک شویم. در سر یک چهار راه، در فاصله کمتر از ۲۰۰ متری هتل قرار داشتیم که ناگهان پولیس یکی از رفقاء را متوقف کرد و او را در انتظار عمومی با خشونت مورد بازرسی بدنی قرار داد ولی چون دلیلی برای دستگیری وی پیدا نکرد بعد از گرفتن مشخصات کامل او، وی را رها کرد. اما لحظه ای نگذشته بود که ما خود را دوباره در محاصره ده ها پولیس یافتیم که از هر طرف به رفقاء حمله کردند و این بار حدود ۹ نفر از رفقاء را با خشونت تمام هل داده و در کنار دیوار قرار دادند و به بازرسی بدنی همگی آن ها پرداختند. تمام تلاششان آن بود که بفهمند ما در منطقه هتل چه کار داریم و چه برنامه ای را قرار است به پیش ببریم!

عده زیادی از کسانی که در طول روز در تظاهرات بودند و به طرف هتل آمده بودند، در یک طرف دیگر چهار راه مضطربانه شاهد این صحنه ها بودند و محل خود را ترک نمی کردند. در پاسخ به اعتراض ما، یکی از مسئولین پلیس هائی که ما را متوقف و بازرسی کرده بود توضیح داد که در مقابل حفاظت از احمدی نژاد و ایادیش مسؤولیت دارد و به "وظیفه" خود عمل میکند! پولیس قصد داشت تا یکی از رفقاء (همان رفیق اولی) را این بار دستگیر نموده و با خود ببرد. این موضوع با اعتراض بقیه روبرو شد و در نهایت بدون ارائه هیچگونه دلیلی رفیق مذکور را جریمه کرده و قرار شد وی چند روز بعد در دادگاه حاضر شود و گر نه حکم جلب و دستگیری او صادر خواهد شد.

آزادی همه رفقاء باعث شور و شوق حاضران در خیابان شد. در عین حالی که این دستگیری موقت و بازرسی بدنی در جریان بود، سه تن دیگر از رفقای ما توانسته بودند از حصار حفاظتی پولیس عبور کرده و خودشان را تا به جلوی درب ورودی هتل برسانند. جایی که هیچ تظاهر کننده دیگری وجود نداشت و فقط مامورین لباس شخصی پلیس نیویارک و محافظین ریش رها کرده احمدی نژاد در گوشه و کنار در های بزرگ هتل ایستاده بودند. تصمیم

این سه رفیق این بود که به محض ورود احمدی نژاد و ایادی اش به محل هتل ، در حضور خبرنگاران ، علیه او شعار بدهند و به این ترتیب نفرت مردم ایران از رژیم دار و شکنجه حاکم بر ایران را هر چه بیشتر به نمایش بگذارند. اما خیلی زود معلوم شد که محافظین اصلی احمدی نژاد از ترس عکس العمل تظاهر کنندگان مستقر در آن طرف خیابان ، وی را از درب آشپزخانه که در پشت ساختمان قرار داشت به داخل هتل برده بودند که این خود فضاحت و هراس احمدی نژاد مزدور و همراهانش را بیش از پیش عیان کرد. این سه رفیق با مشاهده ایرانیان خود فروخته ای که به ضیافت شام ننگین احمدی نژادی میرفتند شروع به شعار دادن کرده و فریاد می زدند "ای مزدور، ننگت باد" ، "مرگ بر جمهوری اسلامی". این خود فروختگان با پذیرش دعوت به شام جمهوری اسلامی در واقع حمایت شان را از جلادان حاکم بر کشور به نمایش می گذاشتند. صدای شعار های آن رفقاء از آن طرف خیابان به گوش ما میرسید. با بالا رفتن صدای شعار رفقاء ، پولیس که نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از نزدیک شدن معترضان به هتل انجام داده بود متوجه شد که غافل گیر شده و در نتیجه به رفقای جلوی هتل حمله کرد و آن ها را از محوطه هتل دور نمود.

تظاهرات در اعتراض به حضور احمدی نژاد در نیویارک حرکت بسیار موفقیت آمیزی بود که دستاوردهای بسیار پر ارزشی داشت. این اکسیون مبارزاتی ، نمادی از گستردگی نفرت مردم در بند ایران از کلیت رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت اتحاد عمل هر چه بیشتر نیروهای انقلابی بود و نشان داد که همه نیروهای انقلابی و مبارز باید با تمام قوا در جهت ارتقای مبارزات جاری و افشای هر چه بیشتر چهره کریه رژیم جمهوری اسلامی تاثیر گذار تر باشند.

فعالان چریکهای فدائی خلق ایران در آمریکا

فعالان چریکهای فدائی خلق ایران در کانادا